

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۲۰۵/۶۰۱ رده بندی کنگره: ۹۷۳/۲

مسئولیت کیفری ناشی از اطلاعات مجرمانه در اینترنت در

حقوق ایران

رضا شمس الدین وندی

چکیده

تحولات پر شتاب در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارائه اطلاعات در فضای مجازی یکی از مهمترین ویژگی های عصر ماست. در واقع این تحولات باعث شده است تا زندگی انسان در طی چند دهه به یک باره دچار دگرگونی عمیقی شود. فضای جدید به نام فضای مجازی به واژگان انسان امروز اضافه شده است. محققان این فضای جدید را دومین انقلاب صنعتی (انقلاب فناوری اطلاعات) نامیده اند. با گسترش علم و فناوری اطلاعات و نفوذ رایانه در ابعاد مختلف زندگی، بزهکاری و تخلف هم راه خود را به این فضا باز کرده و با سایه ی شوم خود سلامت فضای مجازی را به خطر انداخته است. همانطور که همه ما در زندگی روزمره مراقب خود و دارایی هایمان هستیم در فضای سایبر نیز باید دارایی های مادی و معنوی خود را دو دستی نگه داریم تا اسیر کلاهبرداران و تبهکاران سایبری نشویم. بسیاری از جرایم در فضای مجازی و اینترنتی به واسطه ارائه مطالب و محتویات و داده های مجرمانه می باشد که در این مقاله سعی در بررسی و تحلیل مسئولیت کیفری در راستای ارائه اطلاعات مجرمانه در اینترنت شده است.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، جرایم اینترنتی، مسئولیت کیفری، اطلاعات مجرمانه،

داده های غیرمجاز

بخش اول: بررسی ارائه داده‌های غیر قانونی

اطلاعات غیرقانونی در معنای اطلاعات مجرمانه خود می‌تواند به دو گونه تقسیم شود؛ این اطلاعات یا ذاتاً غیرقانونی است و یا اطلاعاتی است که ذاتاً غیرقانونی نیست اما در صورت انتشار موجب ضرر اشخاص می‌گردند. برای نوع اول می‌توان داده‌ی محتوای مربوط به هرزه‌نگاری اطفال و برای نوع دوم می‌توان داده‌ی محتوای یک اثر ادبی را که متضمن حق مالکیت فکری است و در اینترنت پخش شده است مثال زد. از منظر اطلاعاتی که غیرقانونی هستند ذکر این نکته ضروری است که اطلاعات و مطالب غیرقانونی (مجرمانه) با توجه به وضعیت و بافت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای متفاوت و بسته به زمان و مکان متغیر است. برای مثال در غالب کشورها به شدت با اقداماتی نظیر انتشار مطالب متضمن هرزه‌نگاری کودکان، ارائه هرزه‌نگاری بزرگسالان به کودکان و یا ارائه مطالبی که خشونت را در اطفال تحریک کند، برخورد می‌شود. هم چنین در بسیاری کشورهای دیگر، مطالب و محتویات هرزه و مستهجن به دو دسته‌ی سخت و نرم تقسیم می‌گردد. تقسیم‌بندی مشابهی که در خصوص محتویات مذکور در کشور ما وجود دارد، تقسیم مطالب و محتویات به «مستهجن» و «مبتذل» است. با این حال، دایره‌ی مطالب مبتذل با توجه به تعریفی که از آن در قوانین ما و خصوصاً «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند» مصوب ۱۳۸۶ و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ به عمل آمده، بسیار موسع‌تر از مطالبی است که در کشورهای غربی از آن به عنوان پورنوگرافی نرم یاد می‌شود.^۱ بر اساس تبصره‌ی ۵ بند الف ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، «آثار سمعی و بصری مستهجن به آثاری گفته می‌شود که محتوای آن‌ها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد». این تعریف در قانون جرایم رایانه‌ای

^۱ معتمد نژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات سازمان

چاپ و انتشارات، جلد یکم، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۹

به گونه‌ای دیگر آمده و از جهتی موسع و البته نسبتاً دقیق‌تر است؛ بر اساس تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱۴ این قانون «محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی اطلاق می‌شود که بیان‌گر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است». قید «کامل بودن» در برهنگی و نیز محسوب نمودن «عمل جنسی انسان» علاوه بر آمیزش و همچنین افزودن محتویات «غیرواقعی» به این تعریف دقت بیشتری به آن داده است. همچنین بر اساس تبصره‌ی ۱ بند ب ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند «آثار سمعی و بصری مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند». این تعریف در تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای محدودتر است و بر اساس آن «محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد». بنابراین بر اساس قانون جرایم رایانه‌ای محتویات مبتذل اولاً فقط محدود به تصاویر است و متن و صوت را در بر نمی‌گیرد و ثانیاً قید اخیر تبصره‌ی ۱ بند ب ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند را ندارد. بدیهی است در خصوص محتویات مستهجن و مبتذل در فضای سایر قانون جرایم رایانه‌ای قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند را نسخ نموده است.^۱

بخش دوم: مسئولیت مجرمانه ارائه و ذخیره اطلاعات مجرمانه

ممکن است بیان شود که ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی که بستر لازم برای انتقال یا ذخیره اطلاعات را برای دیگری فراهم می‌آورند با فرض آگاهی از این که به هر حال اطلاعات مجرمانه‌ای در اینترنت وجود دارد اقدام به ارائه‌ی اطلاعات می‌نمایند و از این رو

^۱ شایزری، کریانگ ساک کیتی، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان، محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، چاپ اول،

کسانی هستند که خود در انتشار اطلاعات مساعدت کرده و ابزار ارتکاب جرم را در اختیار دیگری گذاشته‌اند و لذا من‌باب تسهیل در رفتار مجرمانه‌ی دیگری مسئول‌اند. همین استدلال در ابتدای طرح بحث مسئولیت ارائه‌کنندگان خدمات، سبب شده بود که دادگاه-های برخی کشورها با توسل به این توجیه حقوقی که ارائه‌کنندگان خدمات بستر لازم برای دسترسی به اطلاعات یا ذخیره‌ی اطلاعات را برای دیگران فراهم می‌آورند و از این رو ارائه و ذخیره‌ی این‌گونه اطلاعات را تسهیل می‌کنند یا با این باور که ارائه‌کنندگان خدمات با آگاهی و علم - ولو اجمالی- از این که این اطلاعات که برای کاربران قابل دسترس می‌گردد مجرمانه است آن اطلاعات را قابل دسترس می‌سازند، لذا در واقع در انتشار اطلاعات مجرمانه مساعدت کرده‌اند من‌باب معاونت در رفتار مجرمانه‌ی دیگری مسئول بدانند.^۱

مخالفان این نظر از دو جهت بر آن ایراد گرفته و بیان داشته‌اند که اولاً باید توجه داشت که در خدمات دسترسی، نقل و انتقال داده‌ها به لحاظ فنی عملی خودکار است و ارائه‌کنندگان خدمات در جریان اطلاعات نقشی ندارند. در واقع، خدمات دسترسی اطلاعات به خواست خود کاربر به وی منتقل می‌شود و از این نظر فعل مثبتی نیست که گفته شود توسط ارائه‌کننده خدمات صورت می‌گیرد و لذا معاونت و مشارکت در جرم که با ارتکاب فعل مثبت (رفتار ایجابی) قابل تصور است در خدمات دسترسی منتفی است. در خدمات میزبانی و ذخیره داده نیز این شخص دیگری است که اطلاعات را در فضای ارائه شده به او ذخیره می‌نماید و صرف ارائه‌ی فضا برای ذخیره‌ی اطلاعات مجرمانه بدون اطلاع از ماهیت غیر قانونی اطلاعاتی که ذخیره می‌شود ذاتاً رفتاری مجرمانه نیست که بگوییم عنصر مادی معاونت در ذخیره‌ی اطلاعات غیر قانونی را تشکیل می‌دهد. برای نمونه

^۱ دادگران، سیدمحمد، مبانی ارتباطات جمعی، انتشارات فیروزه، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۱، ص ۶۹

چگونه می‌توان ارائه دهنده‌ی خدماتی را که فضایی را برای ایجاد وبگاهی به شخصی ارائه داده است و آن شخص داده محتوای متضمن توهین و افتراء یا تصاویر مستهجن یا اثری که متضمن نقض مالکیت فکری دیگری باشد را در آن وبگاه قرار داده است با عنوان معاونت در ارتکاب جرم مسئول دانست و براساس مسئولیت مشارکتی مسئول دانست؟ این امر دقیقاً به آن می‌ماند که مالک ملک‌ی را به این دلیل که ملک خود را در اختیار دیگری قرار داده و او در آن ملک مرتکب جرمی شده است مسئول بدانیم.

ثانیاً نباید فراموش کرد که در مسئولیت مشارکتی، آگاهی واقعی از مجرمانه بودن عمل و وحدت قصد با مباشر جرم لازم است و لذا در ارائه خدمات دسترسی و ذخیره‌ی اطلاعات، در صورت عدم وجود آگاهی واقعی از غیر قانونی بودن اطلاعاتی که ارائه یا ذخیره می‌گردد، شخص مسئولیتی ندارد.^۱ منظور از آگاهی واقعی در این‌جا آن است که حتی با وجود اطلاعات اجمالی ارائه کننده‌ی خدمات مبنی بر این‌که به‌طور کلی می‌داند که در فضای اینترنت اطلاعات مجرمانه‌ای وجود دارد یا ممکن است اطلاعات مجرمانه‌ای در رایانه‌های کارگذار وی ذخیره گردد نمی‌توان مسئولیتی بر وی بار کرد.

از سوی دیگر، بیان شد که کسب این آگاهی برای ارائه کنندگان خدمات اینترنتی به لحاظ حجم بسیار بالای اطلاعاتی که از مسیر رایانه‌های کارگذار آنان عبور کرده و یا در رایانه‌های کارگذار آنان ذخیره می‌گردد در بسیاری موارد غیر ممکن، و حتی در صورت آگاهی، اثبات و احراز آن مشکل است.^۲

^۱ سلیمی، صادق، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌المللی و حقوق کیفری ایران، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۹۲. ص ۱۶۵

^۲ دلفانی، علی اشرف، مبانی مسئولیت کیفری در حقوق اسلام فرانسه، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۲. ص ۵۴

بااین حال مؤافقان مسئولیت ارائه کنندگان خدمات بیان داشته‌اند که درست است که نمی‌توان گفت ارائه کنندگان خدمات در قبال ارائه داده محتوای غیر قانونی به کاربران به- عنوان معاونت در جرم مسئول‌اند، لکن اولاً باید توجه داشت که ارائه کنندگان خدمات به- طور کلی در ارائه اطلاعات نقش سبب را دارند و ارائه بستر لازم جهت ارائه یا ذخیره‌ی اطلاعات توسط آنان صورت می‌گیرد. ثانیاً هر چند که ارائه کنندگان خدمات از قانونی یا غیر قانونی بودن داده محتوایی که به کاربران ارائه می‌شود آگاهی واقعی ندارند و کسب این آگاهی به لحاظ حجم بسیار بالای داده محتوای انتقالی به کاربران و مشترکین با نظارت فیزیکی ممکن نیست، لکن همان‌گونه که در مسئولیت مشارکتی بیان شد این‌گونه مسئولیت به شرطی که برای مساعدت در رفتار مجرمانه باشد حتی بعد از ارتکاب جرم و به واسطه‌ی ترک فعل در عدم جلوگیری از استمرار واقعه‌ی مجرمانه به شرطی که آگاهانه باشد قابل تحقق است؛ لذا آن‌گاه که ارائه کنندگان خدمات به‌نحوی از وجود چنین اطلاعاتی در فضایی که به دیگری ارائه کرده‌اند یا از گذر چنین اطلاعاتی از طریق رایانه- های کارگذارشان به کاربران و مشترکین آگاه می‌شوند و اقدامی جهت جلوگیری از قابلیت دسترسی کاربران به آن اطلاعات به عمل نمی‌آورند مسئول هستند. برای نمونه آن- گاه که ارائه کننده‌ی خدماتی مطلع می‌گردد که داده محتوای مستهجنی در وبگاهی قرار دارد که کاربران به آن دسترسی می‌یابند و دسترسی به آن را مسدود نمی‌سازد یا این که به درخواست شاکی، داده محتوای متضمن افترا را که منسوب به اوست و در وبگاهی که میزبانی فضای آن توسط ارائه کننده‌ی خدمات ارائه شده قرار گرفته است، حذف یا غیر قابل دسترس نمی‌سازد مسئول خواهند بود. به عبارت دیگر بر مبنای این نظر، هرچند که ممکن است در ابتدای قرار دادن اطلاعات مجرمانه در چنین وبگاهی ارائه دهنده‌ی خدمات نسبت به وقوع جرم آگاه نبوده و از این رو تا این مرحله مسئولیتی متوجه وی نباشد، اما

همین که به محض آگاهی از وقوع چنین اطلاعاتی نسبت به حذف یا غیر قابل دسترس نمودن آن اقدامی به عمل نمی‌آورد، در بقای آن اطلاعات با مرتکب اصلی مشارکتاً مسئول خواهد بود. در جرایمی چنین، صرف آگاهی، عنصر معنوی و عدم اقدام یا ترک فعل، عنصر مادی بزه محسوب می‌شود. در واقع ارائه دهنده‌ی خدمات در این موارد کافی است. به لحاظ عنصر مادی نیز نیازی به ارتکاب فعل مثبت ارائه دهنده‌ی خدمات نیست، بلکه در این موارد ترک فعل در حذف یا غیر قابل دسترس ساختن اطلاعات که توسط دیگری قابل دسترس شده است کفایت می‌کند. این توجیه دیدگاهی میانه در خصوص اعمال مسئولیت مشارکتی نسبت به ارائه دهندگان خدمات پیش روی می‌گذرد و حداقل عنصر آگاهی ثانوی ارائه کننده‌ی خدمات که پس از قرار دادن داده محتوای مجرمانه در فضای ذخیره شده حاصل می‌گردد و نیز ترک فعل او را در عدم اقدام لازم جهت تحقق مسئولیت وی دخیل می‌داند.^۱

بخش سوم: مصادیق جرایم منافعی عفت در فضای سایبری در حقوق انگلستان
در نظام کیفری انگلستان جرایم جنسی عمدتاً به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱- تجاوزات جنسی بدون رضایت؛ مثل زنا یا به عنف

۲- جرایمی که هدف از وضع آنها حمایت از اطفال آسیب پذیر و عقب افتادگان فکری است برای مثال دختران کمتر از ۱۶ سال نمی‌توانند بدخول جنسی رضایت دهند.

۳- جرایمی که هدف از وضع آنها عمدتاً حفظ معیارهای مقبول اخلاقی است مانند زنا یا محارم Incest و لواط.

^۱ خلیق، غلامرضا، کارور شبکه اینترنت، انتشارات اشرافی و راهی، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۲، ص ۸۲

۴- جرایمی نظیر تحریک و تشویق افراد به ارتکاب جرایم جنسی ارتکاب جرایم می‌تواند در فضای سایبری نیز روی دهد که موضوع بحث ماست.

با این وجود به نظر می‌رسد عیب بزرگی که تقسیم بندی جرایم جنسی در نظام کیفری انگلستان دارد این است که این تقسیم‌بندی دارای انسجام نمی‌باشد و مخرج مشترک این جرایم جنسی عمدتاً این نیست که همه آنها از روی میل به ارضاء جنسی ارتکاب می‌یابند بلکه آنست که همه آنها نمایانگر نوعی اظهار قدرت توسط مردی که تفوق خود بر قربانی و تحقیر وی را می‌طلبد می‌باشد. جرایم تعریف شده در حقوق انگلیس جهت حمایت از محرمانگی، تمامیت و دسترس‌پذیری و سیستم‌ها یا داده‌های رایانه‌ای پیش‌بینی شده‌اند و فعالیت‌های مشروع معمول ذاتی طراحی شبکه‌ها یا اقدامات مشروع و معمول یا فعالیت‌های تجاری را در بر نمی‌گیرند. در حقوق انگلستان، «دسترسی غیرقانونی» شامل جرمی مبنایی می‌شود که تهدیدهای خطرناک و تعرض‌ها علیه امنیت (یعنی محرمانگی، تمامیت و دسترس‌پذیری) سیستم‌ها و داده‌های رایانه‌ای را در بر می‌گیرد. نیاز به حفاظت، منافع سازمان‌ها و افراد در مدیریت، اجرا و کنترل سیستم‌هایشان را بدون وجود مزاحمت و ممانعت بازتاب می‌دهد. صرف تعرض غیر مجاز، یعنی «هک کردن»^۱، «کرک کردن»^۲ یا «ورود به علف رایانه»^۳ اصولاً و فی‌نفسه باید غیر قانونی تلقی شود. این جرایم می‌توانند موانعی برای کاربران مشروع سیستم‌ها و داده‌ها ایجاد کنند و تغییرها یا تخریب‌هایی را با هزینه‌های زیاد بازسازی به وجود آورند. چنین تعرض‌هایی می‌تواند باعث دسترسی به داده‌های محرمانه (نظیر گذرواژه‌ها، اطلاعات راجع به سیستم‌های هدف) و اسرار برای

^۱-Hacking

۲- آتسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمدآشوری و علی حسینی نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

دوم، ۱۳۹۰، ص ۸۷

^۳-Computer trespass

استفاده از سیستم بدون پرداخت پول یا حتی تشویق نفوذگرها به ارتکاب اشکال خطرناک‌تری از جرایم مرتبط با رایانه، نظیر کلاهبرداری یا جعل مرتبط با رایانه شود.^۱

«دسترسی» شامل ورود به تمام یا بخشی از سیستم رایانه‌ای می‌شود (سخت افزار، اجزای آن، داده‌های ذخیره در سیستم نصب شده، شاخه‌ها، داده‌های ترافیک و داده‌های مرتبط با محتوا) با این حال، صرف ارسال یک رایانامه و یا فایل به آن سیستم را در برنمی‌گیرد. «دسترسی» شمال ورود به سیستم رایانامه‌ای دیگری به وسیله شبکه‌های مخابراتی عمومی یا ورود به سیستم رایانه‌ای همان شبکه می‌شود. نظیر شبکه محلی^۲ یا اینترنت داخلی یک سازمان، نحوه برقراری ارتباط اهمیتی ندارد (مثلاً از راه دور، شامل خطوط بی‌سیم یا در طیف بسته).

هم‌چنین این عمل باید «بدون حق» انجام شود. علاوه بر توضیح ارائه شده در بالا، به این معناست که دسترسی مجاز شمرده شده از سوی مالک یا ذی‌حق دیگر به سیستم یا بخشی از آن جرم محسوب نمی‌شود (مانند، دسترسی با هدف ارزیابی مجاز یا حفاظت از سیستم رایانه‌ای مورد نظر). به علاوه، دسترسی به سیستم رایانه‌ای که برای عموم آزاد و رایگان است نیز جرم نیست و بنابراین «ذی‌حق» تلقی می‌شود.

به کارگیری ابزارهای فنی خاص می‌تواند منجر به دسترسی موضوع ماده (۲) شود، مانند دسترسی مستقیم یا به وسیله پیوندهای فرامتن^۳ به صفحه وب که شامل پیوندهای عمیق^۴ می‌شود یا استفاده از «کوکی‌ها»^۵ یا «بات‌ها»^۶ جهت مکان‌یابی و بازیابی اطلاعات

^۱ - علی آبادی عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ نهم، ۱۳۸۹، ص ۷۳.

^۲ - Local Area network (LAN)

^۳ - Links Hypertext

^۴ - The Agreement on trade- related aspects of intellectual property Rights (TRIPS)

^۵ - cookies

^۶ - Bots

به جای ارتباطات، بکارگیری چنین ابزارهایی به خودی خود «بدون حق» نیستند. داشتن یک وب‌سایت عمومی، رضایت ضمنی دارنده را مبنی بر دسترسی هر کاربر وب نشان می‌دهد. به کارگیری ابزارهای استاندارد تهیه شده بر پایه پروتکل‌ها و برنامه‌های ارتباط مشترک، به خودی خود «بدون حق» نیست، به ویژه در جایی که فرض می‌شود صاحب حق سیستم دسترسی یافته، این گونه بهره‌برداری را پذیرفته و برای مثال نصب مقدماتی کوکی‌ها را رد و آن‌ها را پاک نکرده است.^۲

بخش سوم: انعکاس قواعد کلی ناظر بر استنادپذیری ادله الکترونیکی و اطلاعات مجرمانه در حقوق انگلیس

در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی قانون‌گذاران کشورهای پیشرفته اقدامات قانونی برای به رسمیت شناختن اطلاعات الکترونیکی انجام دادند. در آلمان به عنوان ادراکات و پیروی از قاعده تفسیر در تعمیمی اطلاعات الکترونیکی اقدام شد، در بلژیک و فرانسه اطلاعات الکترونیکی ذیل امارات و قرائت وارد سیستم حقوقی و اداری - با تشخیص نهایی مرجع قضایی - قرار گرفت. این اصلاحات قانونی هر چند که برای حل مشکلات مقطعی کارساز و مفید محسوب می‌شد اما از آنجا که در نظم حقوقی نوین، به عنوان دلیل پس از اقامه دعوی در سیستم قضایی به کار می‌رفت، تأثیر چندنانی بر توسعه سیستم‌های مبتنی بر اطلاعات الکترونیکی به ویژه در ابعاد فرامرزی، نداشت؛ لذا تدوین قانون و تنظیم مقررات ماهوی برای قطعیت بخشیدن به این نوع اطلاعات در دستور کار قضایی کشورها قرار گرفت. قانون ادله اثبات مدنی ۱۹۶۸ میلادی انگلستان که به دقت و تفصیل زیاد فراگرد ورود و ثبت و ذخیره اطلاعات را بیان می‌ساخت در مقایسه با سایر کشورها گامی مهم در

بند اول: توصیه‌نامه آنستیرال در خصوص ارزش قانونی سوابق الکترونیکی

۱۹۸۵

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی تلاش گسترده‌ای برای همسان‌سازی اقدامات قانونی در زمینه استناد ناپذیری اطلاعات الکترونیکی صورت گرفت و آنستیرال در ۱۹۸۵ توصیه‌نامه‌ای برای اصلاح قوانین کشورها صادر کرد تا اطلاعات الکترونیکی به عنوان دلیل در نظام قضایی و اداری به رسمیت شناخته شود. برخی کشورها با اقدامات قانونی مناسب، با ایجاد رویه قضایی، با جنبه‌های استناد پذیری اطلاعات الکترونیکی در عمل کنار آمدند، برخی دیگر در این زمینه اقدام مناسبی را انجام ندادند. از این نظر لازم بود که طرف تجاری خارجی از طریق قراردادهای از پیش تنظیم شده، این مسئله را مورد توجه قرار دهد. به این معنا که از طریق یک توافق خصوصی و کتبی قبول کنند که اطلاعات الکترونیکی ارسال شده به عنوان دلیل پذیرفته و اعتراضی به قالب الکترونیکی آن نشود. این راه حل در مورد کشورهایی که نظام ادله امری نیست، راه حل عملی برای مشکلات ناشی از استنادپذیری اطلاعات الکترونیکی محسوب می‌شد، اما در کشورهایی مثل ایران که نظام ادله در امور مدنی امری است و توافق خصوصی نمی‌تواند بر خلاف قواعد امری اثر حقوقی داشته باشد، راه حل مناسب محسوب نمی‌شد. در اینکه قراردادهای خصوصی بین اشخاص در مورد ادله الکترونیکی تا چه حد از قوت قانونی برخوردار است نمونه‌ای در دادگاه‌های ایران مشاهده نشده است.^۱

بند دوم: قانون مدل آنستیرال تجارت الکترونیکی ۱۹۹۶

در ابتدا دهه ۱۹۹۰ با توسعه چشمگیر در زمینه اتصال شبکه‌های کامپیوتری، ارزانی و آسانی دسترسی به اینترنتی، گرایش زیادی به استفاده از این بستر برای جارت خاصه در ابعاد تاجر-با- مصرف کننده ایجاد شد. با وجود اینکه EDI از یک پروتکل ایمن برای

^۱ - گودرزی، محمدرضا، منبع پیشین، ص ۵۸.

ارسال اطلاعات استفاده می‌کرد و فایل‌های آن مطابق با استاندارد تعیین شده توسط سازمان ملل شکل می‌گرفت. اما به دلیل گران بودن تجهیزات و محدود شدن به رابطه تاجر - با- مصرف‌کننده این روش قابل استفاده نبود. بستر اینترنت با توجه به دسترسی عام و ارزان، پدیده مورد توجه به حساب می‌آمد، اما باز و ناامن بودن محیط آن خطرات مهمی را برای مبادله اطلاعات به وجود آورد. در ۱۹۹۶ میلادی مدل قانونی آنستیرال انتشار یافت. این مدل قانونی که با رویکرد فناوری- خنثی^۱ مدن شده، بدون تکیه بر فن خاص رمزنگاریف شرایط یک امضاء الکترونیکی مطمئن را به دقت تبیین کرده و در صورت تحقق این شرایط، فرض صحت اطلاعات به وجود می‌آید. زیرین‌ترین لایه در این مدل قانونی «داده پیام» است و نوشتار فنی قانون با استفاده از ادبیات متدوال حقوقی مثل امضاء اصالت و مکتوب بودن، نحوه و فرآیندهایی را که در ناهیت به دلیل ختم می‌شود معرفی می‌کند. مهم‌ترین نوآوری این مدل قانونی معرفی ایده معادل‌سازی واسطه‌های الکترونیکی، با اسناد کاغذی است که با تفکیک مفاهیم امضاء اصالت و مکتوب، روش جدیدی را برای تدوین قانون معرفی نموده است. در غیر این صورت، قانون‌گذاران ملی مجبور می‌شدند که برای ایجاد بستر قانونی، همه قوانینی را که در آن‌ها به نحوی از کاغذ، امضاء و اصالت سخن رفته اصلاح کنند. قوانین سنتی و موجود بر اساس زمان، کاغذ و حضور فیزیکی افراد سازمان یافته؛ یعنی سه عنصری که در واسطه‌های الکترونیکی تقریباً وجود ندارد. کانادا و استرالیا با تقدیر از مدل قانونی آنستیرال آن را بهترین سرمش برای قانون‌گذاران ملی دیده‌اند.

^۱-technology-neutral

منابع و مأخذ

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲۱، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، جلد ۲۱، نشر سمت، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۳.
- ۳- اصغری، سید محمد، بررسی تطبیقی جرم سیاسی همراه با دو قاعده درأ و نفی حرج، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- انصاری لاری، محمد ابراهیم، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
- ۵- باقری پور، سید محمد، جرم از منظر حقوقی و شرعی، قم، موسسه فرهنگی هدی رایانه، ۱۳۹۰.
- ۶- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات رهام، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- ۷- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۳.
- ۸- پیوندی، غلامرضا، جرم سیاسی، تحقیقگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- ۹- پیکا، ژرژ، جرم شناسی، ترجمه ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۰- پیمانی، ضیاء الدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۰.

- ۱۱- جعفری، لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۲- جعفری، لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۳- حبیب زاده، محمد جعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۴- دژیانی، محمد حسن؛ ادله اثبات در حقوق کیفری ایران؛ مجله کانون وکلا، شماره ۶۵.
- ۱۵- دژیانی، محمد حسن؛ انواع ادله کیفری، تقسیم‌بندی؛ مجله کانون وکلا، شماره ۳۱.
- ۱۶- رازی، فریده، فرهنگ عربی در فارسی معاصر، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۷- زینلی، محمد رضا، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۸- صالحی انصاری، محمدجواد، دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۹- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، گنج دانش، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲۰- عباس نژاد، محسن، قرآن و حقوق، کتابخانه تخصصی قرآن و علوم روز، مشهد، چاپ اول ۱۳۸۵ ش.
- ۲۱- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد ۱، انتشارات فردوسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۲- عمیقی، ابراهیم، جرم مطبوعاتی، انتشارات کانون اندیشه‌ی جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲۳- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد ۳، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول تهران، ۱۳۶۷.

۲۴- گارو ، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا ، ترجمه سید ضیاء الدین نقابت ، تهران ، بی تا

۲۵- گلدوزیان ، ایرج ، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ، نشر میزان ، چاپ دوازدهم ، تهران ،

۱۳۸۴.

۲۶- ولیدی ، محمد صالح حقوق جزای عمومی ، انتشارات سمت ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۱.